

۲۴



کاوه
kaweh

بشکفته ز نو، در دشت و چمن
 بر خیز و بگیر، این سیزه زمن
 نوروز جوان، نوروز کهن
 با عشق بشر، با مهر وطن
 زاله اصفهانی

Kaweh

Postfach 750179 · 81331 München · DEUTSCHLAND

ژاله اصفهانی



بهار کرده جوانم

در این خزان زده گی ها
 بهار کرده جوانم
 چه شور و شوق شگفتی
 شکفته در دل و جانم
 که لحظه ای نگذارد
 دگر به خانه بمانم.

ز بانگ چهچه مرغان و رقص سبز درختان
 ز عطر در هم گل ها، چه مست می شود انسان
 خوشا چو آهوی وحشی زدن به کوه و بیابان
 و یا به شور جوانی
 پی امید دویدن
 به اوج قله رسیدن...

با چه رازی نسیم می
 نوبهار است و نوبهار
 با چه نازی درخت
 سر و دست اش شکر
 با چه سازی پرنده
 تار، گیتار، یا سه
 پارک ها سبز و لاله
 لندن و آبشار باران

لندن

با چه رازی نسیم می گوید؟
 نوبهار است و نوبهاران است
 با چه نازی درخت می رقصد
 سر و دست اش شکوفه باران است
 با چه سازی پرنده می خواند
 تار، گیتار، یا سه تاران است؟
 پارک ها سبز و لاله زاران است
 لندن و آبشار باران است.

با نگاه عاشقانه

روزی که امروز
 دیروز فرداست
 من نیستم، اما تو هستی
 ما نیستیم، اما زمین هست
 با هفت و هفتاد آسمان اش
 هر آسمان با اختران بی کران اش
 گر هست انسانی در آن سیاره ها
 از جنس نور است.
 دور است، دور است
 از این همه غم ها و شادی های ما
 اما، شگفتا!
 می توان نامیداش انسان؟
 با یک نگاه عاشقانه
 روی زمین، تا آب و گل هست
 گل هست، دل هست.